



(۸)



## ملت خود خواه

در شماره پیش، بمناسبت بحث «آزادی مذهبی»، کمی با طرز تفکر و روش عملی ملت یهود، آشنا شدیم، اینک نیز بدنباله همان بحث، می ردازیم:

عقاید ملی و مذهبی، و تعلیم و تربیت هر قوم و ملتی، از عوامل مهم سازنده شخصیت روحی و حیات اجتماعی اوست. ولذا و قتیکه دانشمندان روانشناس و جامعه شناس میخواهند «روح ملت» را نشان دهند و خصائص روحی آنان را معرفی نمایند، ابتداء بسراغ تعلیم و تربیت و آداب و سنن آنان میروند و از این رهگذر، طرز تفکر و روش عملی آنان را نشان میدهند.

طبق این حساب، چنانچه بخواهیم، با خصائص روحی و روش عملی ملت یهود، درمسأله «آزادی مذهبی»، و همزیستی مسالمت آمیزه آشنا شویم، ناگزیر بایستی به متون اصیل و مورد قبول ملت یهود که عبارت از کتب عهد عتیق و تلمود است مراجعه کرده از تعلیم و تربیت و آداب و سنن آنها در این زمینه اطلاعات صحیحی بدست آوریم.

### دینا پرستی ملت یهود!

از آنجا که ملت یهود، بزندگی پس از مرگ تقریباً عقیده ای ندارد، و زندگی را بیشتر در

حیات مادی و کامیابیهای آن ، خلاصه میکند ، بعلاوه چون خود را ملت برگزیده خدای انکار د  
و برای ملت‌های دیگر ، جز بجهت بهره‌کشی و استثمار ، حق حیات ، قائل نیست ، و از طرفی  
دیگر ، مال و ثروت ، بزرگترین عاملی است که بآنها امکان میدهد بر همه ملت‌ها تسلط و نفوذ  
داشته باشند ، روی این جهات ، عشق و علاقه‌ای که این ملت ، در جمع‌آوری مال ، و بدست  
آوردن مظاهر مادی ، از خود نشان میدهد . در میان تمام ملل دنیا بی نظیر است ، و بهمین دلیل بدنیا  
پرستی و حب مال . شهرت یافته‌اند (۱)

«ویل دورانت» مینویسد : «یهودیان ، کمتر بزندگی دیگری پس از مرگ ، اشاره می  
کردند ، و در دین آنان ، هیچ چیز ، درباره خلود آدمی ، نیامده و پاداش و کیفر را منحصر در  
همین جهان (از قبیل خشکسالی ، ناباریدن باران ، از بین رفتن وزیر و زبردن بنی اسرائیل ...)  
می دانستند» (۲)

این طرز تفکر که بر اساس انکار زندگی پس از مرگ ، و انحصار آن بحیات مادی و  
مظاهر زود گذر آن ، استوار است ، خواه ناخواه ملت یهود را حریص به جمع‌آوری مال و ثروت  
نموده آنان را دنیا پرست ، بار آورده است ، همانطور که «هیتلر» درباره آنان ، میگوید :  
«... یهود نمیتواند یک تشکیلات منظم مذهبی پدید آورد ، زیرا نه طرفدار چنین اصلی است و نه  
بعالمی غیر از این عالم ، عقیده دارد ، و «تلمود» کتاب مذهبی آنان ، کوچکترین اشاره‌ای  
بعالم پس از مرگ ، ندارد» (۳)

بنابر این ، ملت یهود ، از هر طریقی که بتواند تحصیل زندگی مادی کند ، و از هر  
راهی که قادر باندوختن زروسیم باشد ، کوتاهی نخواهد کرد ، چه از طریق مشروع باشد و چه  
از طریق نامشروع !

بدیهی است ملتی که ماده پرستی جز و خوی او شده و اخلاق و فضائل انسانی برای او ارزش  
ذاتی خود را از دست داده ، و وسیله‌ای برای زندگی مادی قرار گرفته است ، هیچگاه نخواهد  
توانست ، با دیگر ملت‌ها همزیستی مسالمت آمیز داشته و طرفدار آزادی مذهبی باشد ، این  
«تلمود» یهودیان است که تصریح میکند :

۱- کشتن «جوییم» یعنی غیر یهودی ، و غصب کردن و دزدیدن مال او بر یهودی ، در  
صورتیکه مقدر باشد ، جائز ، بلکه واجب است !

(۱) ولتجدنهم ، احرس الناس علی حیوة ومن الذین اشرکوا یود احدهم لویعمر الفسنة  
وما هو بمزحزحه من العذاب ان یعمر واللہ بصیر بما یعملون (سوره بقره آیه ۹۶)

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱ ص ۴۶۶

(۳) کفاحی بنقل از «الیهود فی القرآن» ، ص ۳۸

۲ - برای آنکه سلطنت و آقائی تنها برای یهودیان باقی بماند ، لازم است هر فرد یهودی تمام نیرو و امکاناتش را صرف بدست آوردن مال و ثروت ، و منع دیگر ملت‌ها از اندوختن زروسیم و سلطنت و سیادت ، نماید !

۳ - از آنجا که افراد یهودی ، در عزت الهی با هم شریک و مساوی هستند ، پس دنیا و آنچه که در آنست ، مال آنهاست و حق بهره برداری از آن را دارند ، دزدیدن مال یهودی جائز نیست ، ولی از مال غیر یهودی ، مانعی ندارد ، بلکه اصلاً نام دزدی نباید روی آن ، گذارد ، این عمل ، در حقیقت ، استرداد مالی است که دین (البته دین یهودیان ) آنرا برای یهودی ، مباح ، ساخته است .

اموال غیر یهودی ، مانند اموال بی صاحب ، یاریگهای کناردریا است که هر کس زودتر ، دست روی آنها بگذارد ، مالک آنها خواهد شد ، بنی اسرائیل ، در مثل مانند زنی هستند که در خانه نشسته و شوهرش برای او زروسیم ، فراهم میکند ، و او بدون آنکه در کار و رنج تحصیل آن ، با مرد شریک باشد ، حق بهره برداری از آن را دارد !

۴ - برای یهودی سوگند دروغ خوردن ، مخصوصاً در معاملات خود با دیگر ملت‌ها جائز است . زیرا اصل سوگند برای از بین بردن نزاع میان مردم ، قرار داده شده ، اما در باره غیر یهودی ( جویم ) سوگند ، اعتبار ندارد ! ( ۱ )

این روح ماده پرستی ( ۲ ) ملت یهود را بر آن داشت که همواره در راه تحصیل امور اقتصادی بکوشند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزند بالاخره از لحاظ ثروت و مال ، سرآمد تمام ملت‌ها شده اقتصاد جهان را در قبضه خود در آورد .

ملت یهود ، با در دست داشتن اموال و سرمایه فراوان ، توانست در هر منطقه ای که بوده جای پائی برای خود باز کرده از راه پدید آوردن مؤسسات تجاری و تولیدی و بوجود آوردن بانک‌ها و مراکز مالی دیگر بر اساس رباشریان حیات اقتصادی بعضی از ملت‌ها را در اختیار داشته باشد .

هم اکنون قسمتی از بازارهای اقتصادی جهان و بانکها و شرکتهای عظیم و مؤسسات و کارخانه‌های بزرگ ، و مطبوعات و خبر گزاریهای مهم و وسائل تبلیغاتی دیگر و پاره ای از احزاب و عوامل سر کار آورنده دولت‌ها... با پول سرمایه داران یهودی ، در جریان است .

( ۱ ) اليهود قدیما و حدیثا - الخطر اليهودی - اليهود فی القرآن .

( ۲ ) قرآن مجید ، درباره روح ماده پرستی این ملت ، چنین میفرماید : « واخذهم الربا وقد نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل » (سوره نساء آیه ۱۶۶) و در آیه ۷۵ از سوره آل عمران میفرماید : « ومنهم من ان تأمنه بدینار لایؤده الیک الامامت علیه قائماً ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل ... »

هیتر در باره روش خاصی که یهود، در آلمان، پیش گرفته بود و میخواست بدانوسیله بر آلمان، مسلط شود، چنین مینویسد: «یهود، ابتداء شروع کرد بمردم، با نزولهای فوق العاده زیاد، قرض بدهد، و حال آنکه نژاد آریا (آلمانیهای غیر یهودی) عادت بچنین قرضهائی نداشتند، آنها متوجه مفاسد و عواقب شوم اینکارها نبودند، مگر پس از مدتی که گذشت و یهود کاملاً تجازت و امور اقتصادی آلمان را قبضه کرد و وسیله عمال و همکارانش، دولتهای مورد نظر را سرکار آورد.

نزولهای زیادی که آنان از مردم گرفته بودند، مردم را از مردم سلب کرده... با زمینهای وسیعی که در دست داشتند، بدترین بلایا بر سر مالکان و کشاورزان آورده بودند، بالاخره احساسات عمومی یکباره بر ضد آنها تحریک شد و عقدهها منفجر گردید و آنچه باید بشود شد...» (۱)



### آتش افروزان جنگ

یهود، بخاطر همان روح مخصوصی که دارد و خود را گل سرسبد عالم وجود میداند، و «یهوه» خدای جنگ را تنها خدای خود، می شناسد، لذا روح جنگ طلبی بر وجود او تسلط خاصی دارد.

تورات و کتب مذهبی یهودیان، آگنده از فرمانهای مربوط به نابودی و از بین بردن دیگر ملتها و شرح ماجرای جنگی ملوک و پادشاهان بنی اسرائیل است!

در تورات، سفر تثنیه آمده است: «یهوه خدای ما اورا (سیحون پادشاه حبشون) بدست ماتسلیم نموده اورا با پسرانش و جمیع قومش، زدیم، و تمامی شهرهای اورا در آنوقت گرفته مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم، لیکن بهائتم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود بغارت بردیم» (۲)

و در باب دیگر آن، چنین آمده است: «پس یهوه خدای ما عوج ملک پاشان را نیز، و تمامی قومش را بدست ماتسلیم نموده اورا بحدی شکست دادیم که احدی از برای او باقی نماند، و در آن وقت همه شهرهایش را گرفتیم و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم یعنی شصت شهر و تمامی مرزو بوم ارجوب... و آنها را بالکل هلاک کردیم، چنانکه باسیحون ملک حبشون کرده بودیم، هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم، و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود، بغارت بردیم» (۳)

(۱) کفاحی ص ۱۷۷ بنقل از کتاب اليهود فی القرآن ص ۴۱

(۲) تورات سفر تثنیه باب ۲ آیه ۳۴-۳۵-۳۶.

(۳) سفر تثنیه باب ۳ آیه ۴ تا ۷.

و در باب دیگر آن ، دستور قتل عام حتی شامل حال حیوانات شده و آنها نیز باید نابود شوند و اما از شهرهای این امتهائیکه یهوه خدایت ترا بملکیت میدهد ، هیچ ذی روحی رازنده نگذاره (۱)

و این حکم ، در باب دیگر آن ، بشکل بیرحمانه تری آمده است : «اگر درباره یکی از شهرهائیکه یهوه خدایت بتو بجهت سکونت میدهد خبریابی که بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته ، البته ساکنان آن شهر را بدم شمشیر ، بکش و آنرا با هر چه در آن است و بهائمش را بدم شمشیر ، هلاک نما . و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت بآتش ، بالکل بسوزان . ..» (۲)

و در صحیفه یوشع ، چنین میخوانیم: «هر آنچه در شهر بود از مردوزن و جوان و پیر ، حتی گاو و گوسفند و الاغ را بدم شمشیر هلاک کردند» (۳)  
از نمونه های فوق ، بخوبی بدست می آید که بنی اسرائیل تاجه اندازه روح آتش افروزی جنک دارد و در هنگام پیروزی چه مقدار بی رحم است که حتی حیوانات را از دم شمشیر میکذارند و شهر فتح شده را بالکل بآتش میکشد !  
آیا این ملت ، با این روح و با این تصریحات عجیبی که در کتب مذهبی آنان درباره شمشیر - کشی و آدم کشی ، آمده است ، می تواند طرفدار آزادی مذهبی ، و دهمزیستی مسالمت آمیز ، باشد ؟

(۱) سفر تثنیه باب ۲۰ آیه ۱۷ (۲) سفر تثنیه باب ۱۳ آیه ۱۳ تا ۱۷ .

(۳) صحیفه یوشع باب ۶ آیه ۲۴ .

( بقیه از س ۳۲ )

پسر ۶۸ درصد و دانش آموزان دختر ۶۴ درصد) اما جای تاسف است که بیش از سه چهارم این عده کتا بخانه را جای مناسبی برای مطالعه نمیدانند و در هر حال خانه را ترجیح میدهند . نتیجه آنکه نسبت وسایل تفریحات سالم در کشور نسبت به تفریحات ناسالم مناسب نیست و ایرانی ، خاصه در شهرها هنوز زیاد نگرفته است تا وقت خود را چگونه و چطور بگذراند . از سوی دیگر گسترش وسایل سمعی و بصری ، خاصه سینما و تلویزیون بصورت ابزار تفریح غیر فعال ، بخش بزرگی از اوقات فراغت ایرانیان را بخود اختصاص

به وقت گذرانی در کلوبهای اختصاصی و احتمالا قمار نزد طبقات ثروتمند بسیار است و بطور متوسط متجاوز از یک سوم اوقات این عده مصرف برنامه های ویژه این باشگاه ها میشود این نسبت در مورد جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله ای خانواده های متمکن به دو سوم میرسد با این حال جای امیدواری است که در مقابل این گرایشهای منفی میل به مطالعه نزد جوانان تحصیل کرده ، در حال گسترش است مثلاً بیش از دو سوم دانشجویان و دانش آموزان به خواندن مشتاقند ( دانشجویان پسر ۷۸ درصد - دانشجویان دختر ۵۸ درصد - دانش آموزان